



فلسفه گریه بر سیدالشهداء(ع)/ قیام حسینی دفاع از مقام ولایت بود

استاد عرفان حوزه علمیه قم، گریه بر سیدالشهداء(ع) را احیای نهضت آن حضرت دانست و گفت: امام حسین(ع) با قیام خود از مقام ولایت دفاع کرد و واقعه کربلا تأسیس یک فرهنگ عظیم بود.

استاد عرفان حوزه علمیه قم، گریه بر سیدالشهداء(ع) را احیای نهضت آن حضرت دانست و گفت: امام حسین(ع) با قیام خود از مقام ولایت دفاع کرد و واقعه کربلا تأسیس یک فرهنگ عظیم بود.

به گزارش خبرنگار آیین و اندیشه خبرگزاری فارس، به مناسبت ایام سوگواری سرور و سالار شهیدان و یاران باوفای ایشان، گفت‌وگوی مشروحی را با حجت‌الاسلام والمسلمین « سید علی حسینی آملی» از استادان حوزه علمیه قم انجام دادیم که متن آن از نظر می‌گذرد.

جامعه اسلامی بر محوریت ولایت می‌چرخد

* تفاوت دوران امام حسین (ع) با دوره‌های قبل در چه بود؟

- واقعه عظیم کربلا به اقتضای شرایط حاکم بر آن‌روز جامعه اسلامی که در جهت حفظ و بقای اسلام بوده، تأسیس فرهنگ جدیدی بود.

در زمان حضرت رسول اکرم(ص) شرایط به گونه‌ای بود که اصل تأسیس و بنیان‌گذاری جامعه اسلامی به دست رسول اکرم(ص) انجام گرفته و به تعبیری درخت اسلام را پیامبر(ص) نشانند.

در زمان حضرت علی(ع) نیز ایشان دیوار حفاظتی برای جامعه اسلامی بود تا این اسلام نو پا زنده و محفوظ بماند و بسیاری از مشکلات را ایشان و حضرت صدیقه طاهره(س) تحمل کردند.

در یک روزگاری هم شرایط مانند شرایط زندگی امام حسن مجتبی(ع) است که دشمن درصدد حذف جامعه اسلامی و هضم و انهدام و انقراض نسل امامت و ولایت بوده و امام مجتبی(ع) باید صلح را می‌پذیرفت تا اسلام و تشیع پا بگیرد.

در شرایط حضرت سیدالشهدا(ع) که اسلام دیگر در جامعه اسلامی شکل گرفته بود، افرادی درصدد منحرف کردن مسیر اداره جامعه اسلامی بودند. البته این خط انحرافی در عاشورا و محرم و از دوران حکومت یزید شروع نشد به همین دلیل در زیارت‌نامه‌ها نیز به ما گفته‌اند که بخوانیم: «اللَّهُمَّ الْعَنِ أَوَّلَ ظَالِمٍ ظَلَمَ» چون بنیان براندازی قبل از این پایه‌گذاری شده است.

آنگاه ما نیاز داشتیم که عصر اسلام تشکیل شود ولی در زمان ابا عبدالله (ع) که خط اداره جامعه اسلامی در حال منحرف شدن است، شخصیتی که در صدر جامعه اسلامی است باید به پا خیزد و خط انحراف در جامعه اسلامی را به مسیر اصلی بازگرداند. بنابراین اگر واقعه کربلا تأسیس فرهنگ بود، آن یک فرهنگ جامع به جامعیت اسلام، قرآن و به جامعیت انسان کامل که جامع همه حقایق هست، بوده است.

موارد جامعیت در کربلا

* مصداق این جامعیت کجاست؟

- در کربلا همه چیز بود. در شب عاشورا «انی احب الصلاة»، «انی احب تلاوة کتابه»، فقه و حجاب و حلال و حرام وجود داشت.

نقل شده در واقعه کربلا نان و خرمای پیچیده‌ای به دست کودکی داده شد. حضرت زینب(س) دیدند و گفتند صدقه بر ما حرام است، یعنی حرف از حلال و حرام بود.

در عصر عاشورا با ته نیزه بر پشت گردن دخترکی زدند، بچه افتاد و بیهوش شد، حضرت زینب(س) وقتی بچه را بغل کرد و به هوش آورد، اولین سخن کودک بعد از به هوش آمدن این بود که عمه جان مقنعه من کو؟

یعنی در عاشورا حرف از حجاب بود. حرف از نماز و صداقت، آن هم بر محوریت ولایت بود. در کربلا مانند شرایط زندگی سایر ائمه(ع)، همه چیز وجود داشت اما بر محوریت ولایت بود.

* هدف از حرکت به سمت کربلا چه بود؟

– وقتی از سیدالشهدا(ع) می‌پرسند انگیزه و هدف شما از حرکتتان چیست؟ ایشان جواب می‌دهند که مگر نمی‌بینید «أَلَا تَرَوْنَ أَنَّ الْحَقَّ لَا يُعْمَلُ بِهِ، وَ أَنَّ الْبَاطِلَ لَا يُتَنَاهَى عَنْهُ، لِيَرْعَبَ الْمُؤْمِنُ فِي لِقَاءِ اللَّهِ مُحِقًا» آیا نمی‌بینید به حق عمل نمی‌شود و از باطل جلوگیری نمی‌شود، در چنین شرایطی بر مؤمن لازم است (قیام کند و) شیفته ملاقات پروردگار (و شهادت) باشد.

الآن حق است که انسان در این مسیر جان بدهد. این را امام حسین (ع) در روز عاشورا فرمودند، بلکه روزی که از مکه به سمت محل واقعه حرکت می‌کردند در خطبه خود فرمودند.

کسانی که به واقعه عظیم کربلا با دقت و تدبیر توجه می‌کنند، همیشه با سوالاتی روبرو می‌شوند مثل اینکه اگر حرکت امام حسین(ع) انجام وظیفه بود، چرا خواهرشان زینب(س) هم با ایشان حرکت کردند؟ چرا قمرینی‌هاشم (ع) هم آمدند؟ همچنین باید از کسانی که در مکه برای انجام اعمال حج ماندند، پرسید چرا زمانی که حجت خدا، حج را تبدیل به عمره کردند، آنها اعمال حج را تمام نکرده و به امام زمانشان نپیوستند؟ در صورتی که عمل به امر حجت خدا در هر زمانی واجب است.

امام حسین از حق ولایت دفاع کرد

* آیا امام حسین قیام کردند یا دفاع کردند؟

– به نظرم نباید در واقعه کربلا گفته شود که حجت خدا امام حسین(ع) علیه ظالمین قیام کردند. بلکه آنان قیام کرده و امام حسین(ع) دفاع کردند تا حق ولایت را که برای امام معصوم و انسان کامل است از غاصبین پس بگیرند.

امروز در شرایط عاشورایی زندگی می‌کنیم

باید در زندگی نابخردان و از خدا بی‌خبران مطالعه کرد تا فهمید که چرا از حقیقت دور افتادند؟ نکنند که ما هم در زندگیمان از حقیقت دور بمانیم؟

در جمله‌ای مقام معظم رهبری می‌فرمایند: اگر دشمن خیلی برما فشار بیاورد، شاید عاشورا تکرار شود اما قبول صلح امام حسن مجتبی(ع) هرگز اتفاق نمی‌افتد. زیرا ما امروز در شرایط عاشورایی زندگی می‌کنیم. امروز همه ظالمین برای حذف جامعه اسلامی و انهدام بنیان‌های فضیلت‌های قرآنی دست به دست هم داده‌اند. در شرایط امروز صلح امام مجتبی(ع) معنی ندارد. باید زمان شناس بود و مطالعه کرد که چه شد آنها بر دام بنی‌امیه افتادند و از آن عبرت گرفت.

درس یعنی تکرار، یعنی نوشتن و تکرار برای باقی ماندن در ذهن. باید در زندگی کسانی که در کربلا با امام حسین(ع) ماندند و کسانی که به دشمن پیوستند، مطالعه کرد و درس گرفت. درس بگیریم که قمرینی‌هاشم (ع) چه کرد که اینقدر شرافت الهی‌اش را به ظهور گذاشت؟ باید از اینها درس گرفت که چه کردند که قابلیت وفاداری داشته‌اند.

نقش خانواده در تربیت نسل عاشورایی

علاوه بر درس و عبرت گرفتن از عاشورا باید نسل عاشورایی را هم مورد مطالعه قرار داد و بررسی کرد که اینها از کجا آمده‌اند؟ برای تأسیس یک جامعه اسلامی باید به شیوه تربیت کردن نیروهایی که در آینده برای اداره جامعه اسلامی نیاز است، توجه کرد و مهم است که آنها چگونه به وجود می‌آیند.

نقش خانواده و تأثیر آن در تعلیم و تربیت جوامع مسلمین بسیار پررنگ است. همانگونه که امام علی(ع) پس از شهادت صدیقه طاهره(س) به جناب عقیل(برادرشان) فرمودند: همسری برای من انتخاب کنید با این شرایط تا شخصیتی چون حضرت عباس(ع) را به وجود آورد. پس شکل‌گیری این شخصیت عظیم وابسته به پدر و مادر است.

ما هم امروزه برای اداره جامعه اسلامی به جوانان شایسته‌ای تحت پرورش خانواده‌های مؤمن نیاز داریم. این خانواده‌ها امروز در

انتخاب همسر و فردا در ایام بارداری مادر و بعدها در زمان شیر دادن و حتی تهیه اسباب بازی برای کودک و تمام مراحل زندگی فرزند تا آینده باید در صدد باشند تا او را به گونه‌ای تربیت کنند که شیرمرد روزهای سخت باشد. بنیان این شیرمردان به دفاع از حق و عاشورا باز می‌گردد و همچنین طهارت خانواده و جامعه نقش مهمی دارد.

چگونه می‌توان در رسیدن به پیروزی از کربلا درست گرفت؟

عاشورا یعنی یک طمأنینه و ایمان و اعتقاد نسبت به مسیری که در حال حرکت در آن هستیم و اطمینان به اینکه حتماً به نتیجه‌ای خوب و مثبت می‌رسد.

قطعاً وظیفه امروز ما مبارزه علیه ظلم و ظالمین است که انجام این وظیفه امروز، پیروزی‌های فردا را به ارمغان خواهد آورد.

در ابتدای مسیر ایراد ما به مخالفان این است که شما امام معصوم را با غیر معصوم مقایسه کردید. همانطور که همین انتقاد به آنها وارد است که در روز اول پس از رحلت پیامبر(ص)، در مقابل امیرالمومنین(ع) که به نص آیه تطهیر جزء معصومین است، به سراغ کسی رفتند که کمترین نقصش این است که معصوم نبوده و معصوم را با غیر معصوم مقایسه کردن خطاست.

می‌توان در بازار طلا فروشی دو جنس طلا را با هم مقایسه کرد و گفت این 18 عیار است و آن 24 عیار، اما مقایسه طلا با مس و سایر فلزات خطاست. در مقابل حجت خدا نباید غیر خدا را مطرح کرد.

دو شرط لازم برای امت عاشورایی

* به بحث امت عاشورایی برسیم. اهمیت امت عاشورایی در چیست؟

– در واقعه عظیم عاشورا تمام حقایق دین خدا بر محوریت ولایت قرار داشته است. امتی که بر امامشان وفا دارند باید هوشیار باشند که در سیر تاریخی و به تعبیر مقام معظم رهبری(مدظله العالی) در این پیچ و گذرگاه تاریخی ما باید به سلامت نفس و هدفمان اعتماد کنیم. همچنین به سلامت رهبرمان اعتماد کرده و بر اعتمادی که رهبر بر امت دارد اعتقاد داشته باشیم. مانند امت امام حسن مجتبی(ع) نباشیم که امام در صحنه باشد و مردم یکی یکی عقب نشینی کنند.

امت عاشورایی از دو جهت اهمیت دارد: یکی اعتماد امام بر امت و دیگری وفاداری امت به رهبری و امام است.

اگر این موضوع میسر شود، در قرآن کریم از جانب خدا آمده: «یا ایها النفس المطمئنه ارجعی الی ربک راضیه مرضیه». اگر اعتماد دو جانبه‌ای به وجود آید خطاب الهی بر رضایت ما بوده و پیروزی قطعی است. اگر پرچم دین خدا برافراشته باشد تمام نیازهایمان برطرف خواهد شد.

چگونگی به وجود آوردن اعتماد و صداقت

حقایق دین تأثیری متقابل از علم و تقوا است یعنی طهارت نفس باید در کنار مطالعه دینی باشد. اگر بفهمیم که این مسیر حق است اعتماد هم ایجاد می‌شود اما اگر بگوییم که ما از فضیلت حجاب و صداقت و حلال و حرام چیزی نفهمیدیم و به باطن آن پی نبردیم یعنی ما تنها یک عبارت ظاهری از تمام این حقایق داریم و به آن اعتماد نکرده‌ایم، نتیجه نمی‌گیریم.

اعتماد زمانی حاصل می‌شود که برویم و مطالعه کنیم و برایمان یقین حاصل شود و در این یقین استوار و پایدار باشیم. به مراعات تقوای الهی بپردازیم که در عبارت «یزکیهم و یعلمهم الکتاب» این تعلیم و تزکیه، تأثیر و تأثر متقابل دارد.

علم برای ما تقوا خواهد داشت و تقوا نور باطن می‌آورد و به این ترتیب علم و تقوا در دل و جانمان تأثیر خودش را می‌گذارد.

بنابراین آنها که مراعات حلال و حرام را نمی‌کنند، فضیلت آنرا نفهمیده‌اند و طمأنینه و باور باطنی ندارند.

* چرا برخی با اینکه علم دارند، خطا می‌کنند؟

باور باطنی تنها به علم نیست. چه بسا باسوادانی که در عمل، تن به خطا می‌دهند، همین افراد اگر دست به قلم شوند خوب می‌نویسند و اگر صحبت کنند زیبا و خوب صحبت می‌کنند اما به مقام عمل که می‌رسند، کم می‌آورند. دلیلش آن است که تقوی ندارند

و علم برایشان نور نشده است.

بزرگان می‌گویند: «#171; العلم نورٌ يجعل الله في قلب من يشاء» علم نوری است که خداوند در قلب هر کس بخواهد قرار می‌دهد. علم نورانیت باطن انسان است. اگر این نورانیت باطن حاصل شود، این نورانیت به تقوی و ترک گناه می‌انجامد. گناه، ظلم است و ظلم تاریکی است. این سخن از اباعبدالله (ع) است که ظلم، ظلمت و تاریکی است.

در سفینه البحار، شیخ عباس قمی آورده ظلم، ظلمت روز قیامت است و تاریکی باطنی انسان است. گناه، تاریکی است و این تاریکی با #171; الله نور السماوات و الارض» قابل جمع شدن نیست.

فلسفه گریه بر امام حسین علیه‌السلام

* چرا برای امام حسین (ع) گریه کنیم؟

– واقعه کربلا یک جنبه عاطفی دارد و از این گریه عاطفی هم نمی‌توان جلوگیری کرد.

ما به میزانی که به اهل بیت (ع) محبت داریم، بر مصیبت‌ها و درد و رنج‌های آنان گریه می‌کنیم. این گریه در اختیار ما نیست هر کسی که محبوبی را از دست می‌دهد، وقتی به یاد او می‌افتد گریه می‌کند.

گریه در طبیعت و فطرت انسان در هر دو جهت است. درباره امام حسین (ع)، هر وقت انسان به مصائب و درد و رنج‌های آن بزرگوار فکر می‌کند، دلش می‌تپد و گریه‌اش جاری می‌شود. این گریه‌ها درست است که بر مبنای عاطفه است ولی بر همین عاطفه ختم نمی‌شود.

نکته دیگر اینکه گریه بر سیدالشهدا (ع) احیای نهضت آن حضرت است. بر این اساس دشمنان اسلام در طرحی مشخص گام برمی‌دارند تا کم کم و سنگر به سنگر ما را به عقب برانند تا این واقعه عظیم را به فراموشی بسپاریم. لکن ما باید کربلا را زنده نگه داریم و به تعبیر امام خمینی (ره) محرم و صفر را زنده نگه داریم که ما هر چه داریم از محرم و صفر است. گریه‌ها باعث شوری می‌شود که شعورها مبتنی بر همین شورهاست.

در زمان 8 سال دفاع مقدس اگر خانواده‌های محترم شهدا گریه می‌کردند، دشمنان می‌گفتند ببینید اینها چقدر ضعف دارند که با از دست دادن عزیزی این گونه منفعل می‌شوند. دشمنان از این گریه‌ها سوء استفاده می‌کردند. اما خانواده شهدا از حضرت زینب (س) که در مجلس ابن زیاد لعنت الله علیه، فرمود: «#171; ما رایت الا جمیلاً»، الگوگیری کرده و اجازه هیچگونه سوء استفاده‌ای را به دشمنان ندادند.

اسلام، محمدی‌الحدوث و حسینی‌البقاء است. اگر درخت طویه اسلام را پیامبر (ص) نشانند، امام حسین (ع) آبیاری نمودند تا باقی بماند و این بقا امروز بر گریه‌ها و برپایی این جلسات وابسته است.

لزوم پرهیز از روضه‌های نادرست

* در پایان درباره مداحی‌ها و روضه‌خوانی‌ها در مجالس عزاداری اشاره داشته باشیم. به نظر شما مهمترین وظیفه در این باره چیست؟

– پیشنهادی که برای روضه خوانان و مداحان گرامی دارم این است که جرم و جنایت‌ها را به همان مقدار که وجود دارد گفته و مبادا دروغ بگویند و نورانیت مجلس سیدالشهدا (ع) را به ظلمت و تاریکی دروغ، آلوده کنند.

دروغ، فقط برای امام معصوم و اهل بیت (ع) نیست. ما حتی مجاز نیستیم که به دشمن هم دروغ ببندیم، دروغ هرچه باشد حرام است. مگر دشمنان اهل بیت علیهم‌السلام در حقیقت، کم خیانت کرده‌اند که لازم باشد مداحان و واعظین به آنها دروغ اضافه کنند؟

مرحوم حاج شیخ عباس قمی در انتهای جلد اول منتهی‌الامال، از استاد خود نقل می‌کند که پای منبری نشسته بودند و در حال گوش دادن به روضه‌ای بودند.

روضه خوان لحظه وداع امام حسین (ع) را این چنین بازگو می‌کرد: «#171; سیدالشهدا (ع) و حضرت عباس (ع) پشت خیمه‌ها بودند، امام خواهرشان زینب (س) را صدا کردند که خداحافظی کنند و گفتند: یا زینب یا زینب...»

حاج شیخ عباس قمی گفت: خدا دهانت را بشکند، چرا دروغ می‌گویی؟ امام یکبار حضرت زینب(س) را صدا کردند! بزرگان ما اینگونه مقید بوده‌اند که دروغ به محافل و مجالس امامان و اهل بیت(ع) وارد نشود. ما نیز باید به پیروی از آنان واقعیات را درست بازگو کرده و اجازه ندهیم مطلب غیر صحیحی به محافل و مجالس حسینی ما راه پیدا کند.